

Islamic theory; Definition and methodology of theorizing

Fereshte Abolhasani Niaraki*

Abstract

Theorizing and analyzing its process is one of the issues in the field of science. In this article, by analyzing the theory, the nature of Islamic theorizing is discussed. Recognizing Islamic theory and explaining it is the basis of research. Based on this analysis, Islamic theory is presented on two levels: theories extracted from verses and hadiths and theories of Muslim thinkers. The first type, which forms the basis of Islamic theory, can be designed in three areas: (1) intra-religious issues, (2) interdisciplinary issues, and (3) issues belonging to a specific field of science. In this article, by presenting some definitions of theory, a comprehensive definition of theory is retold and the monopoly of the definition of theory based on empirical criteria is criticized. It is possible to present different Islamic theories in science by using the methodology belonging to different fields of sciences, with the specific aim of explaining religious teachings. This article is designed in three parts: (1) what Islamic theory is, (2) analysis of Islamic theory and the process of making theory, and (3) presentation of two types of Islamic moral theory in the form of a case study.

KeyWords: Theory, Islamic theorizing, methodology, the process of theorizing.

* Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, Mazandaran University, Babolsar, f.abolhasani@umz.ac.ir

Date received: 10.08.2020, Date of acceptance: 03.10.2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نظریه اسلامی؛ از چیستی تا چگونگی (فرآیند و متدولوژی نظریه‌سازی)

فرشته ابوالحسنی نیارکی*

چکیده

نظریه‌سازی و واکاوی فرآیند آن، از مسائل حوزه علم‌شناسی است. در این جستار با تحلیل نظریه، به چیستی گوئی نظریه‌سازی اسلامی پرداخته می‌شود. بازشناسش نظریه اسلامی و تبیین آن، اساس پژوهش است. برپایه این تحلیل، نظریه اسلامی در دو سطح: نظریه‌های مستخرج از آیات و روایات و نظریه‌های اندیشمندان مسلمان مطرح می‌شود. گونه نخست که اساس نظریه اسلامی را سامان می‌دهد، در سه ساحت: (۱) مسائل درون-دینی (۲) مسائل میان‌رشته‌ای و (۳) مساله متعلق به حوزه خاصی از علوم قابلیت طراحی دارد. در این مقاله، با ارائه برخی تعریف‌های نظریه، تعریفی جامع از نظریه بازگفته شده و انحصار تعریف نظریه برپایه شاخص‌های تجربی نقد شده است. می‌توان با بهره‌برداری از روش‌شناسی متعلق به ساحات مختلف علوم، با هدف خاص تبیین آموزه‌های دینی، نظریه‌های اسلامی ارائه داد. این مقاله در سه بخش (۱) چیستی گوئی نظریه اسلامی (۲) تحلیل نظریه و فرآیند نظریه‌سازی اسلامی و (۳) ارائه دوگونه نظریه اخلاقی اسلامی در قالب موردپژوهی طراحی شده است.

کلیدواژه‌ها: نظریه، نظریه‌سازی اسلامی، روش‌شناسی، فرآیند نظریه‌پردازی.

* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، f.abolhasani@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲

۱. مقدمه

بنیاد هر دانشی استوار بر مفاهیم است که در ساختار آن دانش نقشی حیاتی و تاثیرگذار دارند. از مهمترین این مفاهیم، می‌توان به «نظریه» و «نظریه‌سازی» اشاره کرد. برخی اندیشمندان، نظریه‌ها را در هر علمی مفهوم اصلی ماهیت آن علم می‌دانند، زیرا هدف اصلی هر علمی دستیابی به نظریه‌های آن است (بن‌آری، ۱۳۸۷: ۱۰). برخی دیگر معتقدند نظریه مهم‌ترین مفهومی است که در رابطه با یک علم مطرح است، به گونه‌ای که می‌توان ملاک شناسایی یک علم از غیر آن را بر خورداری از نظریه دانست. عمده‌ترین وظیفه اندیشمندان در هر حوزه علمی، ارائه رهنمودهایی برای ارتقای مستقیم یا غیرمستقیم کنش انسان‌ها و سازمان‌هاست که در زبان آکادمیک «نظریه» نامیده می‌شود (دانائی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۶۶/ دانایی‌فرد، ۱۳۸۳: ۶۱-۷۹). اهمیت نظریه‌پردازی در متن سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران نیز مورد تاکید است. در این میان جایگاه علوم انسانی و معارف اسلامی و احیا نظریه‌های بومی-اسلامی از اهمیت ممتازی برخوردار است. براین اساس شورای عالی انقلاب فرهنگی به برپایی هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره پرداخت و بر نظریه-پردازی و احیا نظریه‌های ایرانی-اسلامی در این حوزه همت گماشت. در جامعه جهانی بحث از نظریه‌های بومی مطرح است.^۱ این امر به سبب ناکارآمدی نظریه‌های غریبی در حل معضلات بومی صورت گرفته است. رابرتسون معتقد است در برخی کشورها پس از مشخص شدن ناکارآمدی جامعه‌شناسی کلاسیک غربی، حرکت‌هایی موفق به سمت پردازش جامعه‌شناسی بومی صورت گرفته است (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۱۱۲).^۲ بحث از نظریه اسلامی نیز در جامعه علمی ما مطرح است و اندیشمندان در حوزه‌های گوناگون در نظریه‌پردازی اسلامی، و نیز بازسازی نظریه‌های دانشمندان اسلامی-بومی می‌کوشند.^۳ در تبیین چرایی و ضرورت توجه به نظریه اسلامی می‌توان موارد مختلفی را برشمرد: ۱) تسلط گفتمان‌های غربی در برخی رشته‌های دانشگاهی و ناهم‌خوانی آن با فرهنگ بومی (۲) مبانی متفاوت انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و متافیزیکی (۳) غنی بودن فرهنگ خودی و پاسخگویی آن در حیطه‌های مختلف و ...

بدینسان آیا بر مبنای این تلقی که نظریه اساس علم بودن علم است، اگر معارفی بر مفهوم نظریه صدق نکند، آن معارف را نباید نظریه دانست؟ به عنوان مثال، آیا اگر معارف اسلامی، بر معنای رایج نظریه نگنجد، نقص و ضعف آن بوده و نشان از علم نبودن و عدم اعتبار علمی آن است؟ بنابراین نظریه چیست که خارج بودن از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن،

معارف بشری را از اعتبار علمی ساقط می‌کند؟ آیا اتصاف وصف «اسلامی» به نظریه ممکن است؟ آیا می‌توان گفت مفهوم نظریه از توسعی مناسب برای پذیرش تمامی مضاف‌الیه‌ها یعنی علوم مختلف (نظریه فیزیکی / نظریه تحلیلی فلسفی / نظریه تفسیری و ...) و پذیرش وصف اسلامی برخوردار است؟ برای پاسخ، ابتدا بررسی تعریف اندیشمندان از نظریه ضروری است که آیا نظریه فراتر از مفهوم رایج و پوزیتیویستی آن، معانی دیگری دارد که قابل انطباق بر نظریه اسلامی باشد؟ بنابراین (۱) بررسی امکان ارایه نظریه اسلامی و اتصاف نظریه (به مفهوم رایج علمی) به وصف اسلامی اولین مسأله تحقیق است. (۲) علم به مقدمات نظریه‌پردازی دومین مسأله پژوهش است که شامل (تعریف نظریه، مؤلفه‌های نظریه، ویژگی‌های نظریه و ملاک ارزیابی از «تئوری خوب») است. این تعاریف، عمدتاً با عنوان نظریه اسلامی کاملاً منطبق نیست. تلاش شده است برای ارائه تعریفی جامع، از مؤلفه‌های تعاریف یادشده بهره‌برداری شود. (۳) ارائه تعریف نظریه اسلامی، دیگر مسأله پژوهش است. تحلیل مفهوم نظریه اسلامی و کران‌مندی آن، برای اهتمام حداکثری و کاربستی به نظریه-پردازی رهگشاست. صرف آگاهی از نظریه اسلامی، در نظریه‌پردازی اسلامی کارگشا نیست، بنابراین باید به روش‌شناسی تئوری‌سازی [الف] نظریه‌پردازی اسلامی و [ب] احیای نظریه‌های اندیشمندان مسلمان نیز پردازیم. مقصود از نظریه‌پردازی اسلامی، بازنمایی نظریه‌های مستتج از متون دسته اول اسلامی و مقصود از احیای نظریه‌های دانشمندان مسلمان، ملاک دین و فرهنگ اندیشمندان و تأثیر آن در دانش آنها است. این جستار، علاوه بر تحلیل مفهوم نظریه اسلامی، در اصل مقاله‌ای در حوزه روش‌شناسی مطالعات دینی است که با ارائه نمونه از پژوهش‌های انجام شده، به چگونگی و فرآیند نظریه‌سازی همت می‌گمارد. توجه به گستره‌های مختلف و تعلق نظریه اسلامی به علوم و روش‌های مختلف، ارائه فرآیند روش‌شناسی نظریه‌سازی اسلامی هم‌سازگار با روش‌های تحلیلی-عقلانی از دیگر وجوه مقاله است.

۲. فراروی انتقادی از انحصار تعریف‌های تجربی از نظریه: از امکان داشتن نظریه اسلامی تا روش‌شناسی ساخت نظریه اسلامی

نخستین گام در نظریه‌پردازی، روش‌شناسی تئوری‌سازی است که در علوم و گستره‌های مختلف دانش و همچنین در پارادایم‌ها و مبانی گوناگون متفاوت می‌شود. تعلق اندیشمندان به گستره‌ای خاص، سبب معطوف‌شدن ایشان به تعریفی خاص از نظریه است.

تصویرسازی فیزیک‌دانان از چیستی نظریه متأثر از شرایط محاط بر ایشان^۴ و متفاوت از تعریف دانشمندان علوم اجتماعی^۵، روان‌شناسی^۶ و علوم سیاسی^۷ و تعریف آنها نیز متفاوت از دیدگاه فلاسفه علم^۸ است. تعریف نظریه و فرآیند آن، با مضاف‌الیه خود معنا می‌یابد؛ نظریه علمی، نظریه اجتماعی و روان‌شناختی و نظریه اخلاقی و ... بنابراین وقتی سخن از نظریه است، باید مضاف‌الیه آن را مدنظر قرار داد. در نظریه اسلامی نیز، علاوه بر وصف «اسلامی»، مضاف‌الیه آن که همان رشته، گستره و دانش تعریف شده و خاص است، اهمیت فراوانی دارد. تأکید بر توجه به مضاف‌الیه نظریه، به معنای نفی معنای مشترک و عام برای مفهوم نظریه نیست. مقصود از وصف «اسلامی» چیست؟ جدول شماره «یک» مقصود از وصف «اسلامی» را روشن می‌سازد.

جدول شماره (یک) مقصود از وصف «اسلامی»

ردیف	مقصود از وصف اسلامی	ملاک
۱	مستخرج از آیات و روایات	معارف دسته اول و حیانی و روائی
۲	اجتهادی و مستتج از آیات و روایات	معارف دسته دوم دینی برخاسته از تلاش‌های دانشمندان فقه، تفسیر، کلام، اخلاق
۳	علوم دانشمندان مسلمان	مسلمان بودن؛ ملاک دین دانشمند
۴	جهان اسلام	جغرافیا
۵	دوره اسلامی	زمان و دوران خاص
۶	فرهنگ اسلامی	فرهنگ و تمدن حاکم بر جامعه اسلامی
۷	همخوان با سیاست‌ها و گزاره‌های حیانی	مقصود معارفی که دین‌ستیز نیست. اگرچه می‌تواند دین‌پذیر و دین‌گریز نباشد. (مقصود از فیزیک اسلامی، مثلاً فیزیک برآمده از قرآن نیست بلکه در این معنا یعنی گزاره‌هایی که دین‌ستیز نیست)
۸	هماهنگ با مبانی اندیشه‌های دینی	پارادایم و پیش‌فرضها

مقصود از وصف اسلامی نظریه، معنای خاص آن یعنی «نظریه مبتنی بر داده‌های مستخرج از آیات و روایات اسلامی به معنای معارف دسته اول و حیانی-روائی» است و نه به معنای اندیشه اسلامی به معنای عام که دیگر معانی را نیز شامل است. هریک از معانی مذکور می‌تواند با تعریف عام این جستار از نظریه هماهنگ افتد، اما در تعریف نظریه اسلامی به معنای نخست آن می‌پردازیم که دارای مبانی خاص است و مقصودمان از نظریه-پردازی اسلامی، همین معنای نخست است، اگرچه به سبب اهمیت بازسازی نظریه‌های

نظریه اسلامی؛ از چپستی تا چگونگی ... (فرشته ابوالحسنی نیارکی) ۷

بومی اندیشمندان مسلمان با توسع مصداق، در مرتبه بعد، وصف اسلامی را به معارف و علوم دانشمندان بومی مسلمان نیز سرایت می‌دهیم.

نظریه با مضاف‌الیه خود یعنی گستره‌ای که به آن تعلق دارد، معنا می‌یابد. «نظریه اسلامی» به معنای «مستخرج از دین»، مفهومی عام و جامع دارد که با معیارهای خاص، شامل بسیاری از علوم و گستره‌های علم بشری می‌گردد و تنها منحصر در علوم درون‌دینی و اسلامی یا تفسیری و الهیاتی و ... نیست (مشروط بر آنکه متون دینی در آن باب بحثی داشته باشد). پاسخ به مسایل مختلف، از طریق استخراج داده‌ها از منابع دست‌اول دینی، نظریه را اسلامی می‌سازد؛ اما تعلق پژوهش به گستره‌ای از علم، به روش آن بستگی دارد؛ روش تجربی، نظریه اسلامی را نظریه‌ای تجربی، و روش‌های تحلیلی-عقلانی، گستره آن پژوهش را فلسفی-عقلانی می‌گرداند و ... به عبارت دیگر اگر پاسخ مسایل علوم روز را از آیات و روایات جویا شویم و از داده‌های آن بهره گیریم، با هر روشی و در هر گستره‌ای از علم، نظریه‌ای اسلامی ارائه داده‌ایم. شرط لازم «اسلامی» خواندن یک نظریه، مستخرج بودن داده‌های آن از منابع دست‌اول دینی است و صرفاً به معنای اخذ روش‌های درون‌دینی نیست. نظریه اسلامی می‌تواند یک «نظریه فلسفی اسلامی»، و یا یک «نظریه روان‌شناختی اسلامی» و یا یک «نظریه رشد اسلامی» و یا یک «نظریه زیست‌شناختی اسلامی» باشد.

در مسأله امکان یا امتناع اتصاف وصف اسلامی به نظریه در علوم و مسایل مختلف، مباحث فراتر دیگری چون رابطه دین و علوم مختلف نیز اهمیت دارد. آیا اسلام و یا معارف اسلامی قادر به ارائه نظریه در همه علوم است؟ آیا نظریه فیزیکی اسلامی یا نظریه تاریخی اسلامی داریم همانطور که نظریه اخلاقی اسلامی داریم؟ بنابراین وقتی صحبت از امکان اتصاف نظریه به وصف اسلامی است، باید گستره آن مشخص باشد. به بیان دیگر، مضاف‌الیه نظریه چیست که هر دو با هم وصف اسلامی را بپذیرند؟ اتصاف وصف اسلامی به نظریه‌های علمی با روش‌های مختلف، زمانی ممکن است که مضاف‌الیه نظریه یعنی حیطة خاص، متصف به وصف اسلامی گردد. در صورت امتناع استخراج برخی علوم و مسایل از متون اسلامی، نظریه اسلامی در آن حیطة ممتنع و در صورت امکان آن، ممکن می‌گردد.

سه امر در مضاف‌الیه نظریه مدنظر است: ۱) داده‌های پژوهش ۲) روش پژوهش ۳) مسایل پژوهش. می‌توان سه‌گونه نظریه اسلامی با توجه به مضاف‌الیه آن تحلیل کرد. «داده‌های» نظریه اسلامی در همه موارد، مستخرج از قرآن و روایات است و «مسایل» نیز

می‌تواند الف) کاملاً مسایل دینی یا ب) مسایلی میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای و یا ج) مسأله‌ای خاص یک علم باشد. آنچه مهم است، «روش پژوهش» است که یا ۱) اتکای صرف بر آیات و روایات مدنظر پژوهشگر است که با الگوهای روش‌شناختی دورن‌دینی و تفسیری-روائی تماماً اسلامی است که علاوه بر داده‌ها، از روش و مسایل درون‌دینی استفاده می‌کند؛ و یا ۲) با بهره‌گیری از الگوهای میان‌رشته‌ای در مقام طراحی نظریه اسلامی هستیم که در آن، اندیشمند می‌خواهد پاسخ پرسش‌های خود را با روش‌های میان‌رشته‌ای از متون دینی و وحیانی استخراج کند. و یا ۳) مقصود داده‌های مستخرج از آیات و روایات با مسایل و روشی متعلق به حوزه‌ی خاصی از معرفت، نظیر روش عقلانی در تحلیل آیات و ارایه یک نظریه مثلاً فلسفی اسلامی است (بسان برخی دیدگاه‌های صدرا) و یا اتخاذ روش تجربی و آزمون تجربی و تحلیل‌های آماری داده‌های دینی، گستره پژوهش را به علوم تجربی می‌کشاند. براین اساس نظریه فلسفی اسلامی، نظریه پزشکی اسلامی، نظریه زیست‌شناسی اسلامی، نظریه روان‌شناسی اسلامی و نظریه جامعه‌شناختی اسلامی و ... خواهیم داشت.

تعریف نظریه و تحلیل فرآیند نظریه‌پردازی، براساس پارادایم‌های مختلف نیز متفاوت می‌شود. این مساله به تلقی که هریک از پارادایم‌ها و مکاتب از مفهوم «نظریه» ارایه می‌کنند، باز می‌گردد و متمایز از بحث پیشین یعنی تبیین مضاف‌الیه و وصف اسلامی نظریه است. در فلسفه علم، مفهومی رایج از نظریه مناسب با مبانی پوزیتویستی مطرح است. انحصار تحلیل نظریه براساس معیارهای تجربی امری خطاناك است؛ زیرا هر اندیشمندی، براساس مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی، تعریف متفاوتی از نظریه ارائه داده‌اند (دانائی فرد، ۱۳۸۷: پیش‌گفتار / دانائی فرد، ۱۳۸۸: ۱۶۶ و ۱۸۳) تا آن‌جا که تنها گزارش و طبقه‌بندی تعاریف و فرآیندهای گونه‌گون ارائه شده توسط فلاسفه علم از نظریه علمی، براساس تعلق ایشان به پارادایم‌های مختلف، محتاج بررسی درازدامنی است. براین اساس چنین نیست که نظریه صرفاً یک معنای مناسب با معیارهای تجربی و ساینیتیک داشته باشد.

اندیشمندان متعلق به مدرنیسم و پوزیتویست، علاوه بر این که متن و ساختار نظریه‌های ایشان به سمت رفتارگرایی و عاطفه‌گرایی سوق یافته، در تعریف نظریه و فرآیند آن با تأکید بر تجربه‌گرایی، از مشاهده، آزمون، تجربه، تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها سخن می‌گویند (رزنبرگ، ۱۳۸۴: ۱۶۲ / صمدی، ۱۳۸۹: ۱۱). بنابراین اندیشمند تجربه‌گرا، در تعریف نظریه، دیدگاه متفاوتی از اندیشمند متعلق به پارادایم دیگر با مبانی معرفت‌شناسی و روش-

شناسی عقلی-تحلیلی خواهد داشت. مقصود از تجربه‌گرایی، تجربه‌گرایی در دو نوع آن (یعنی ۱) علوم طبیعی تجربی (نظیر زیست‌شناسی، فیزیک، شیمی و...) و ۲) علوم انسانی تجربی (نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و...) است. رفتارگرایان به نظریه تجربی اعتقاد دارند و چنین نظریه‌ای را مجموع گزاره‌هایی مرتبط شامل مفروضات، تعاریف و فرضیه‌های آزمون‌پذیر تجربی می‌دانند که درصدد توصیف حدوث یک پدیده فرضی یا مجموعه‌ای از پدیده‌ها هستند (تاجیک، ۱۳۸۷: ۴۶). درحالی‌که مثلاً رویکردهای معناشناختی مدلی (سمبلیک) برخی از تعاریف اندیشمندان پساتجددگرا از نظریه و یا دیگر رویکردهای تلفیقی (چندپارادایمی) متفاوت از تعریف تجربه‌گرایان منطقی است. هر یک از این رویکردها نیز دارای انواع مختلفی است. تجربه‌گرایی منطقی در دو نوع اثبات‌گرایی و ابزارگرایی است. رویکرد ساختارگرایی و رویکرد حالت-فضا از انواع رویکردهای معناشناختی مدلی است (رک: دانائی‌فرد، ۱۳۸۷/ صمدی، ۱۳۸۹). طرفداران رویکرد معناشناختی (مدلی) مدعی‌اند نگرش آن‌ها با هر نوع معرفت‌شناسی در علم، خواه واقع-گرایانه و خواه تجربه‌گرایانه و یا ابزارگرایانه، سازگار است. اما بسیاری می‌پندارند که در رویکرد مقابل، رویکرد تجربه‌گرایان منطقی با هستی‌شناسی و [معرفت‌شناسی] ضد متافیزیکی گره خورده است (صمدی، ۱۳۸۹: ۳۰).

تعریف نظریه در دوران پیش از مدرنیسم برای اندیشمندان موضوعیت نداشت. آنچه دانشمندان از روش‌شناسی نظریه‌پردازی می‌گویند متأثر از مؤلفه‌ها و خصوصیات مدرنیسم همچون تجربه‌گرایی، راسیونالیسم (عقل‌گرایی به معنای دکارتی کلمه: تعبدگریزی) و یا مبانی پست‌مدرنیسم است. بر این اساس غالب تعاریف نظریه با مبانی معرفتی سنت‌گرایی سازگار نمی‌نماید. به عنوان مثال، منابع معرفتی پیش از مدرنیسم، علاوه بر عقل، معارف و حیانی و کشف و شهودهای عرفانی را نیز شامل می‌شود. درحالی‌که معرفت‌شناسی مدرنیسم با تأکید بر حس (مشاهده، آزمایش و تجربه) و عقل استدلال‌گر، منابع ایشان را برای علم ناکافی می‌داند و در تعریف نظریه و فرآیند آن با مبانی حاکم و علوم تجربی به قضاوت می‌نشیند. اما دلیلی وجود ندارد که از نظریه‌های غیرتجربی مثلاً متافیزیکی با روش عقلی-فلسفی به سبب تعاریف موجود رایج مناسب با تجربه‌گرایی دست شویم! روزنبرگ می‌نویسد:

ما می‌توانیم اصالت تجربه را رها کنیم تا به اصالت عقل برسیم، یعنی معرفت‌شناسی‌ای که مطابق آن، دست‌کم، ما معرفت‌هایی داریم که بدون آزمون تجربی توجیه می‌شوند.

ولی اگر معرفتی علمی نه از تجربه و مشاهده، بلکه مثلاً فقط از تفکر عقلی حاصل می‌شود، آن‌گاه چه کسی باید بگوید که جهان‌بینی‌های جایگزین یعنی اساطیر یا دین و حیانی، که برای تبیین واقعیت مدعی رقابت با علم هستند، نیز ادعا نمی‌کنند که به شیوه‌ای مشابه موجه هستند (رزنبرگ، ۱۳۸۴: ۱۶۶ و ۱۶۷).

بدینسان نظریه‌های رئالیستی علمی و نوعی رئالیستی انتقادی نیز وجود دارد که از قوانین درست و مفهوم علیت بین امور دفاع می‌کند و بر مبنای واقع‌گرایی هستی‌شناختی است. مقصود از واقعیت، علاوه بر امور مشاهده‌پذیر تجربی، امور مشاهده‌ناپذیر را نیز شامل است (چرنوف، ۱۳۸۸: ۲۴۴-۲۴۶).

جدول شماره (دو)، نمایانگر انواع ادراکات بشری و علوم متفاوت و انواع نظریه‌ها به تبع تنوع علوم است.^۹ فلاسفه علم، دانشمندان علوم اجتماعی و روان‌شناسی، مدیریت و علوم سیاسی، به مفهوم‌سازی نظریه و فرآیند تئوری‌سازی توجه داشته و در این خصوص تعاریف مختلفی از نظریه ارائه داده‌اند. اما به عنوان مثال، اگرچه اندیشمندان در گستره اخلاق پژوهی، به انواع نظریه‌های اخلاقی و طبقه‌بندی‌های مختلف آن توجه شایانی داشته‌اند، برخلاف سایر علوم، به فلسفه علم اخلاق، یعنی چیستی نظریه اخلاقی و فرآیند تئوری‌سازی در اخلاق توجه چندانی نشده است. براین اساس غالب تعاریف از نظریه متوجه معارفی است که اندیشمندان آن به روش‌شناسی نظریه‌پردازی عنایت داشته‌اند.

بنابراین، اگر مقصود از نظریه، نظریه به معنای رایج فلسفه علم یعنی معنای پوزیتیویستی و تجربه‌گرایی آن است، بسیاری از معارف اسلامی و دانش‌های اندیشمندان معاصر را نمی‌توان به این معنا نظریه خواند. همچنین در این صورت، باید از ضرورت نظریه‌پردازی در سایر علوم که از لحاظ مبانی چهارگانه متفاوتند پرسش کنیم: آیا نظریه‌سازی واقعاً در همه علوم ضرورت دارد؟ آیا علم بدون نظریه، علم نیست و نداشتن نظریه، نقیصه محسوب می‌شود؟ آیا اساساً نظریه برای تحقق دانش، شرط لازم است؟ برخی پژوهشگران معتقدند نظریه‌سازی در همه دانش‌ها ضروری نیست و اولاً دانش‌هایی هستند که صرفاً شامل نظریه و نظریه‌سازی نیستند و ثانیاً دانش‌هایی وجود دارند که ابداً شامل نظریه و نظریه‌سازی نمی‌شوند (زیبا کلام، ۱۳۹۵: ۱۹۰). اساساً اگر نظریه را تنها و صرفاً به معنای ساینتیستی آن معنا کنیم، اصراری بر نظریه‌پردازی بومی نیست و باید گفت بسیاری از علوم، به‌ویژه علوم انسانی، با این معنا، اساساً نیاز به نظریه برای علم‌بودن ندارند. اما هیچ دلیلی بر حصر معنی نظریه بر مبانی تجربه‌گرایی وجود ندارد. برای توجیه این ادعا، تعاریف متعدد و متنوع

نظریه اسلامی؛ از چپستی تا چگونگی ... (فرشته ابوالحسنی نیارکی) ۱۱

اندیشمندان ارایه شده است تا مشخص شود اندیشمندان متعلق به گستره‌های مختلف، تعاریف متعددی از نظریه ارایه داده‌اند.

جدول شماره (دو): تنوع نظریه‌ها به تبع تنوع علوم و معارف بشری

ردیف	انواع ادراکات بشری	انواع علوم	روش	انواع نظریه‌ها
۱	معارف نقلی	علوم نقلی	نقلی	نظریه‌های مستخرج از آیات و روایات
۲	معارف شهودی	عرفان	شهودی	نظریه عرفانی
۳	معارف عقلی-تحلیلی	فلسفه، ریاضیات و منطق	عقلی	نظریه فلسفی-تحلیلی
۴	علوم تجربی علوم انسانی و رفتاری	فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی	مشاهده و تجربی	نظریه علمی
		فردی	رهیافت تجربی ^{۱۰}	نظریه‌های اجتماعی/نظریه سیاسی و ...
		روانشناسی		
		جمعی		
		سازمانی		
		مدیریت		

نظریه در تقسیمی به نظریه تجربی (در علوم طبیعی و انسانی) و غیرتجربی (مثلاً در ریاضیات یا فلسفه) قابل تقسیم است. غیرتجربی شامل نقلی، تحلیلی-عقلی و شهودی-- عرفانی است. در این مقام از «غیرتجربی» به متافیزیکی و تحلیلی بسنده می‌کنیم. نظریه در تقسیمی دیگر به نظریه توصیفی و نظریه هنجاری قابل تقسیم است (Carlile & Christensen, 2002).

معارف اسلامی، متعلق به حوزه و مبانی خاص خود است. اگر مقصود از قید اسلامی در نظریه اسلامی، توسع مفهوم اسلامی یعنی «دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان» باشد، با توجه به مبانی گوناگون و روش‌های کاربردی متفاوت آنها، نظیر روش عقلی-تحلیلی، عرفانی-شهودی، نقلی-درون‌دینی و یا تلفیقی-التقاطی و تطبیقی، تاریخی، تجربی، میان-رشته‌ای و ...، شاهد انواع مختلفی از نظریه‌های اسلامی خواهیم بود. به عنوان مثال نظریه-های اخلاقی می‌تواند به روش (۱) نقلی (صرف ۲) عقلی-فلسفی (۳) عرفانی-شهودی و (۴) تجربی و (۵) به تعبیر کارل پوپر متعلق به منطقه سوم معرفت (نظیر نظریه اخلاقی رازی و نظریه فروید در تفسیر روان‌نژندی)^{۱۱} باشد. و اگر مقصود از اسلامی را به معنای «مستخرج از داده‌های آیات و روایات» بدانیم، در معنای سوم آن که به گستره خاصی از علم (غیر از علوم تماماً اسلامی) تعلق دارد، برخی از معارف، نظیر نظریه‌های روان‌شناختی اسلامی یا نظریه جامعه‌شناختی و یا پزشکی و زیست‌شناختی اسلامی که روش تجربی و معیارهای

تجربی دارند، به معنای رایج ساینتیستی منطبق است، اما دیگر معانی آن مثل نظریه‌های فلسفی اسلامی که روش عقلانی-تحلیلی دارد و یا نظریه‌های تفسیری و صددرد اسلام بر تعریف رایج نظریه قابل انطباق نیست. بدینسان، روا نیست مفهوم‌سازی نوین از نظریه را که متعلق به پارادایم‌های متفاوت دیگری است بر تمامی معارف مستتج از متون اسلامی تحمیل کنیم و در صورت مطابقت با آن تعاریف، آن‌ها را نظریه و در صورت عدم مطابقت، نظریه بودن آن معارف را رد کنیم. می‌توان با مطالعه تعاریف گوناگون از نظریه، تعریفی مناسب و همخوان با مبانی نظریه اسلامی برگزید و یا با رصد تمام موارد از میان تعاریف، مؤلفه‌های سازگار با یک نظریه اسلامی را ارائه نمود. پژوهش حاضر روش دوم را برمی‌گزیند. نظریه گفتمانی است که در یک بستر خاص با مبانی و روش‌شناسی خاص شکل می‌گیرد. نظریه اسلامی، خواستار روش‌شناسی خاص بوده که مناسب با مبانی چهارگانه روش‌شناسانه، انسان‌شناسانه و هستی‌شناسی و متافیزیک باشد. جدول شماره سه بیانگر مبانی فرانظری نظریه اسلامی است.

جدول شماره (سه) مبانی خاص نظریه اسلامی به معنای مستخرج از منابع دسته اول دینی

ردیف	مبانی نظریه اسلامی	تعریف	ویژگی‌های خاص
۱	هستی‌شناسی	فرض‌های خاص در باب موجودات	- واقع‌گرایی هستی‌شناختی - اعتقاد به عالم غیب و امور مشاهده‌ناپذیر علاوه بر امور مشاهده‌پذیر این جهانی - بیان روابط علی و معلولی بین امور مختلف
۲	معرفت‌شناسی	فلسفه شناخت	- مطلق‌گرایی معرفت‌شناختی - پیش‌بینی آینده - اهمیت دادن به تحلیل عقلانی (خردپذیری) - توجه دادن به جهان برون‌تجربه
۳	انسان‌شناسی	نوع نگاه به انسان	ساحت‌های درونی انسان خلیفه الهی پاداش و عقاب سعادت‌پذیر اختیار
۴	روش‌شناسی	سازوکار طراحی نظریه اسلامی	- درون‌دینی و نقلی - وحیانی و غیبی - روش‌های میان‌رشته‌ای و سایر روش‌های علوم

۳. بررسی چیستی نظریه؛ ویژگی‌ها و مولفه‌ها

برای دستیابی به فرآیند نظریه‌پردازی اسلامی، بررسی تعریف‌های ارائه شده از نظریه امری ضروری است. نظریه چیستی، ویژگی‌های آن کدامند و فرآیند نظریه‌پردازی چگونه تصویر می‌شود؟ تعریف‌های مختلفی از نظریه ارائه شده است. جدول شماره (چهار) نمایانگر بازشناسانش اندیشمندان از نظریه و مؤلفه‌های آن است.

جدول شماره (چهار): تعاریف اندیشمندان از نظریه

ردیف	اندیشمندان	تعریف از نظریه	مؤلفه‌های مفهوم نظریه	ویژگی‌های نظریه
۱	کرلینجر، فرد. ان	یک نظریه مجموعه‌ای از مفاهیم، تعاریف، و گزاره‌های به هم مرتبط است که از طریق مشخص ساختن روابط بین متغیرها، با هدف تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها دید نظام‌یافته‌ای از پدیده‌ها ارائه می‌کند. (۱۳۷۴: ۲۹)	مفاهیم تعریف‌شده مفاهیم و متغیرهای مرتبط مجموعه‌ای از گزاره‌های متشکل از مفاهیم مرتبط تبیین پدیده‌ها پیش‌بینی	کلی قابلیت پیش‌بینی و تبیین
۲	بن آری. موتی (Ben-Ari, M.)	نظریه علمی عبارت از مجموعه کوتاه و منسجمی از مفاهیم، دعوی‌ها و قوانینی است که غالباً به صورت فرمول‌های ریاضی بیان می‌شوند و می‌توان از آن‌ها برای توضیح و پیش‌بینی دقیق و صحیح پدیده‌های طبیعی استفاده کرد. نظریه باید دارای سازوکاری باشد که توضیح دهد که مفاهیم، دعوی‌ها و قوانینش چگونه از نظریه‌های سطح پایین‌تر پدید می‌آیند. (بن آری، ۱۳۸۷، ۴۷)	مجموعه کوتاه و منسجم مفاهیم دعوی‌ها قوانین تبیین و پیش‌بینی دقت و صحت دارای سازوکار توضیح	کلی قابل ابطال و تأیید مشاهده محور فرمول‌بندی ریاضی آزمون‌پذیر استقرایی-قیاسی
۳	دیوید مارش و جری استوکر	نظریه‌ها به آزمون فرضیه‌ها، توضیحات علی، توصیف حوادث، و توضیح جریان‌ات و پدیده‌های کلی می‌پردازند تا این‌که تصویری معقول و منطقی از موضوع مورد مطالعه ارائه دهند. (دیوید مارش و جری استوکر، ۱۳۷۸: ۱۴)	آزمون فرضیه‌ها توضیحات علی توصیف حوادث، جریان‌ات و پدیده‌های کلی ارائه تصویر معقول و منطقی	-----
۴	دبلیو. اچ. مور	نظریه به مجموعه‌ای از گزاره‌ها اطلاق	مفاهیم پدیده‌های	سازگاری درونی

<p>کامل بودن منطقی قابلیت ابطال‌پذیری (falsifiable)^{۱۳}</p>	<p>مرتبط مجموعه‌ای از گزاره‌ها تبیین رابطه علی پدیده‌ها (نه صرفاً تجربی)</p>	<p>می‌شود که تبیین علی از پدیده‌ها را در اختیار می‌گذارد.^{۱۲}</p>	<p>Will H.) (Moore</p>	
<p>وحدت و یکپارچگی سازگاری درونی صرفه‌جو در توضیح و پیش- فرض‌ها عمومیت کاربردی و ثمربخش تجربی و قابل ابطال مشخص‌کننده قلمروها برقراری ارتباط‌های استوار داخلی پیش‌بینی‌های دقیق خلاصه بودن</p>	<p>تعریف اصطلاحات ارتباطات بین متغیرها بیان چرایی و چگونگی ارتباط بین مفاهیم پیش‌بینی دقیق حوادث و پدیده- ها تجسم دقیق، واضح و مشروط مشاهدات یا امور تقریبی (ساختارها) در جهان تجربی ارتباط بین ساختارها</p>	<p>به طور کلی نظریه دارای چهار مؤلفه است: (۱) تعاریف اصطلاحات و متغیرها، (۲) قلمرویی که تئوری به کاربرده می‌شود (۳) ارتباطات بین متغیرها، (۴) پیش‌بینی دقیق پدیده‌های واقعی (Hunt, 1991; Bunge, 1967; Reynolds, 1971) نظریه از مفاهیم دقیق در یک قلمرو مشخص تشکیل شده و از چرایی و چگونگی ارتباطات متغیرها سخن می- گویند که سبب پیش‌بینی دقیق است. نظریه مجموعه‌ای از ساختارها و متغیرها است که در آن ساختارها به وسیله گزاره- ها با یکدیگر مرتبط می‌شوند و متغیرها به وسیله فرضیه‌ها (Bacharach, 1989) نظریه به تعریف متغیرها (چه و کجا)، قلمرو نظریه (کی و کجا)، تبیین سازوکار ارتباطی متغیرها (چرا و چگونه)، و دست‌آخر پیش‌بینی پدیده‌ها می‌پردازد.^{۱۴}</p>	<p>و.کر. جان.جی John G.) (Wacker</p>	<p>۵</p>
<p>منسجم وحدت‌بخش آزمون‌پذیر دارای محتوای تجربی و روش تجربی</p>	<p>مجموعه فرضیه‌های تبیینی قواعد تجربی حمایت تجربی سامان‌یابی به روش قیاسی مشاهده‌محور تبیین رابطه‌های علی</p>	<p>نظریه در علم به معنای مجموعه‌ای از فرضیه‌های تبیینی است که تأیید و حمایت تجربی گسترده‌ای برای آن‌ها وجود دارد. (رزنبرگ، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۳۶) نظریه تبیین تعداد زیادی قواعد تجربی و استثناهای آن‌ها و تواناسازی برای پیش- بینی دقیق نتایج است. (رزنبرگ، ۱۳۸۴: ۱۴۳) یک نظریه مجموعه‌ای از قوانین است که با یکدیگر کار می‌کنند تا پدیده‌ها را به وسیله انتساب مکانیسم یا ساختار علی زیربنای آن‌ها تبیین کند. (رزنبرگ، ۱۳۸۴: ۱۴۴)</p>	<p>رزنبرگ Rosenberg,) (Alexander</p>	<p>۶</p>
	<p>تعریف ابزارانگاران واقع‌نما نیستند</p>	<p>نظریه‌ها ابزارهای مفید و وسیله‌های اکتشافی هستند که ما آن‌ها را برای سامان‌دهی تجربه خویش به‌کار می‌گیریم</p>	<p>تعریف ابزارگرایان</p>	<p>۷</p>

	بلکه سودمندند	اما نظریه‌ها ادعاهای حقیقی درباره تجارب ما نیستند که با صادق باشند یا کاذب (رزنیگر، ۱۳۸۴: ۱۷۷)		
۸	مک‌دونالد (David) (McDonald) و اشنبرگر (Scott) (Schneberger)	یک ایده انتزاعی، ذهنی و قابل انتقال می‌دانند که شکل، هدف، کیفیات و مشتقات خاص دارد (مک‌دونالد و اشنبرگر، ۱۳۸۷: ۹). مجموعه‌ای از تعاریف و گزاره‌های توصیف‌کننده موقعیت‌هایی است که انتظار می‌رود یک یا چند فرایند علی در آن وجود داشته باشد یا تأثیر یک یا چند متغیر مستقل را بر یک یا چند متغیر وابسته شناسایی کند (مک‌دونالد و اشنبرگر، ۱۳۸۷، ۹)	ایده ذهنی و قابل انتقال دارای شکل، هدف مجموعه‌ای از تعاریف مجموعه‌ای از گزاره‌های توصیف‌کننده دارای ارتباطات علی و یا تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر	
۹	رینولدز (P.D.) (Reynolds)	رینولدز سه گونه نظریه را در میان نظریاتی که با زبان طبیعی یا زبان مصنوعی ارائه می‌شوند، تشخیص داد: یک، مجموعه‌ای از قوانین؛ دو، مجموعه‌ای از تعاریف، اصول موضوعه یا گزاره‌ها؛ سه، مجموعه‌ای از توصیف‌های فرایندهای علی. (مک‌دونالد و اشنبرگر، ۱۳۸۷: ۱۰)	مجموعه‌ای از قوانین مجموعه‌ای از تعاریف، اصول موضوعه یا گزاره‌ها مجموعه‌ای از توصیف‌های فرایندهای علی	
۱۰	سایپز، ساپی، ون فراسن، گی‌یر (رک): هادی صمدی، (۱۳۸۹: ۲۷)	نظریه‌ها مجموعه‌ای از مدل‌ها یعنی تعاریف صوری هستند همراه با ادعاهایی مربوط به این‌که چه اثباتی در جهان این تعاریف را برآورده می‌سازند و مصداق و نمونه‌ای از آن هستند که ما را قادر می‌سازند تا رفتار و عمل آن‌ها را با درجه‌ای از دقت پیش‌بینی کنیم.	تعریف سمانتیکی و مدلی ابزار صوری‌سازی هستارهای فرازبانی سازگار با انواع معرفت‌شناسی‌ها: واقع‌گرایانه، تجربه‌گرایانه و ابزارگرایانه	
۱۱	فیگل	نظریه به عنوان مجموعه‌ای از مفروضات تلقی می‌شود که می‌توان به وسیله‌ی روش‌های منطقی - ریاضی، قوانینی از آن استنتاج کرد. (فیگل، ۱۹۵۱)	مجموعه‌ای از مفروضات روش منطقی - ریاضی	

	استنتاج قوانین قابل آزمون			
	مجموعه مدل‌ها شأن حدسی ابطال‌پذیر و نفی یقین	نظریه‌های علمی مجموعه‌ای از مدل‌ها هستند اما نه به معنای مدل‌های ریاضی طرفداران معناشناختی. مدل‌های موجود در نظریه‌ها شأن حدسی دارند. این مدل‌ها در سه دسته کلی هستند: (۱) حدس‌هایی برای تبیین امور بسیار کلی. (۲) اصول موضوعه یک نظریه خاص، (۳) حدس-های برای اندراج یک پدیده جزئی خاص تحت یک قاعده عمومی‌تر. (صمدی، ۱۳۸۹: ۸۲ به بعد)	هادی صمدی	۱۲
	یک یا چند گزاره فرضیه‌ای قابل ابطال نفی ادعای حقیقت‌گویی سازگار با انواع پارادایم‌ها	تئوری را در کلی‌ترین معنا می‌توان یک یا چند فرضیه در باب پدیده‌ای خاص تعریف کرد. (دانائی فرد، ۱۳۸۸: ۱۸۸) تئوری عبارت است از یک یا چند گزاره فرضیه‌ای. (دانائی فرد، ۱۳۸۷: پیشگفتار)	دانائی فرد	۱۳
برخوردار از قوانین کلی برخوردار از استدلال‌ات و توضیحات کافی و مستدل چارچوب فکری و منظم فراتر از توصیف و معطوف به تبیین (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۱۳۸-۱۵۱)	مفاهیم مرتبط گزاره‌های متشکل از مفاهیم قوانین کلی (بدیهی یا نظری) استدلال‌ات کافی و مستدل تبیین	نظریه‌های سیاسی به بیان حقایق، ارائه توضیحات علی و تفسیری، تفسیر رویدادها، توصیف رویدادها و حقایق، ارزش‌ها و بیان پدیده‌های کلی سیاسی می‌پردازند. (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۱۹) تئوری یا نظریه، تصویری نمادین از موضوعی است که از انسجام منطقی و توانمندی لازم برای تبیین مسائل و موارد خاص و موردی برخوردار است. (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)	محمدحسین جمشیدی	۱۴
	مجموعه‌ای منتظم و به هم پیوسته و معنی‌دار متشکل از گزاره‌ها پیش فرض‌ها اصول و قوانین تبیین	مجموعه‌ای منتظم، به هم پیوسته و معنی‌دار، متشکل از گزاره‌ها، پیش فرض‌ها، و اصولی که در راه تبیین امور و وقایع اجتماعی (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱/ ۵۲۵)	باقر ساروخانی	۱۵

۱۶	حیدرعلی هومن	مجموعه‌ای به هم پیوسته از مفاهیم، تعاریف و قضایا که به منظور تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها، از طریق تشخیص روابط بین متغیرها، یک نظر نظام‌مند درباره پدیده‌ها ارائه می‌دهد. (هومن، ۱۳۷۴، ۱۱)	مجموعه‌ای منسجم مفاهیم، تعاریف و گزاره‌ها تبیین و پیش‌بینی از طریق روابط بین متغیرها
۱۷	ه.ج. ماری جو	تئوری مجموعه‌ای است از مفاهیم و روابط که در آن نوعی تبیین از پدیده مورد بررسی به هم پیوند داده می‌شوند. (ه.ج.، ۱۳۸۶)	مجموعه مفاهیم و روابط تبیین

با مقایسه تعاریف اندیشمندان از نظریه در پارادایم‌های مختلف تلاش می‌شود به مفهوم عام و مشترک از نظریه مناسب با انواع پارادایم‌ها و مبانی مختلف دست یابیم و با بسط تعاریف ایشان، تعریف نظریه را از نظریه علمی به مفهوم امروزی علم، به نظریه در حوزه علوم تحلیلی، عقلی و نظریات درون‌دینی و ... سرایت دهیم.

نظریه مجموعه‌ای منتظم، منسجم و معنی‌دار (چه به زبان طبیعی، چه سبملیک و مدلی، چه با فرمول‌های ریاضی و ...) از پیش‌فرض‌ها، رویکردها و روش‌ها (انواع روش‌های تمرینش و کارآمد)، مفاهیم و متغیرهای مرتبط، تعاریف (definitions) آن مفاهیم و گزاره‌های توصیف (descriptive) کننده است که با تبیین (explanation) و مشخص کردن روابط علی (به مفهوم عام کلمه: هرگونه تأثیر و تأثر) بین مفاهیم و متغیرها، به پیش‌بینی یا توجیه، یا تعیین تکلیف یا توصیه‌ی (deontological) پدیدارها، حوادث، ارزش‌ها، مفاهیم و آرمان‌ها (مشاهده‌پذیر یا مشاهده‌ناپذیر) می‌پردازد.

نظریه اسلامی در دو ساحت نظریه مستخرج از آیات و روایات و نظریه‌های بومی اندیشمندان مسلمان قابل طراحی است. در معنای نخست، نظریه اسلامی یعنی استخراج تام گزاره‌های دینی مرتبط با حیطه و علم و یا مسأله‌ی خاص مورد نظر تحقیق، با توجه به مبانی هستی‌شناختی و روش‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی حاکم بر اندیشه دسته اول و حیانی، و سپس ارایه مجموعه منتظم، منسجم و معنی‌دار و هماهنگ و بطلان‌ناپذیر از پیش‌فرض‌ها و مفاهیم به شکل یک الگو، هرم و یا برنامه جامع و تلاش برای یافتن تعاریف این مفاهیم از خود مجموعه آیات و روایات و تعیین روابط علی بین مفاهیم و گزاره‌ها، جهت پیش‌بینی یا توجیه، یا تعیین تکلیف یا توصیه‌ی پدیدارها، حوادث، ارزش‌ها، مفاهیم و آرمان‌هایی که در متن وحی موجود است.

در معنای دوم نیز، نظریه‌های بومی اندیشمندان مسلمان اخذ می‌شود که به رصد مؤلفه‌ها و مبانی فکری-معرفتی اندیشمندان مسلمان و تبدیل و بازسازی آن به یک نظریه منسجم و هماهنگ با نگاهی سیستماتیک می‌پردازد که در آن به سوالات یک نظریه علمی نظیر تعریف، تبیین، توجیه و استدلال و ... نیز پاسخ داده شود.

۴. روش‌شناسی تئوری‌سازی و فرآیند آن

پردازش یک نظریه و نظریه‌پردازی، نیازمند اتخاذ روش است. مقصود از فرآیند، بیان روش نیل به [۱] نظریه تماماً اسلامی و [۲] احیا نظریه‌های بومی-اسلامی اندیشمندان مسلمان است که به هر یک مستقلاً می‌پردازیم.

۱.۴ فرآیند نظریه‌پردازی اسلامی به معنای معارف دست‌اول مستخرج از متون

فرآیند کلی نظریه‌پردازی اسلامی را در چهار عنوان می‌توان بیان کرد:

۱. برگزیدن مسأله اصلی پژوهش و تحلیل آن به مسایل جزئی‌تر (مسایل می‌تواند مرتبط به هر علمی باشد: فلسفه/ روان‌شناسی/ زیست‌شناسی/ علوم نقلی/ علوم تجربی و ...)

۲. فیش‌برداری و یافتن پاسخ‌های هر یک از مسایل به نحو مجزا از آیات و روایات

۳. برگزیدن روش تحلیل و آزمون داده‌ها (تجربی/ آماری/ تحلیلی عقلی/ تقسیری- درون دینی/ تطبیقی/ میان‌رشته‌ای و) که نمایانگر تعلق نظریه اسلامی به گستره و علمی خاص است: نظریه فلسفی اسلامی/ نظریه تاریخی اسلامی/ نظریه روان-شناسی اسلامی و ...

۴) بیان ارتباط یافته‌ها و مؤلفه‌ها و نهایتاً ارایه پاسخی منسجم در شکل مجموعه و الگویی منتظم.

نظریه‌پردازی اسلامی به صورت مسأله‌محور صورت می‌گیرد. در پاسخ به هر مسأله، نگاه سیستمی، و ارائه یک مجموعه منتظم و الگوی منسجم ضرورت دارد. برای نیل به چنین مجموعه منتظمی، گام‌ها و مراحل مختلفی را باید پیمود. جدول شماره (پنج) مراحل مختلف را ارائه کرده و با مثالی ترسیم می‌کند. تحلیل مسأله به مسایل جزئی‌تر اولین گام است. چنین تحلیلی، نیازمند آشنایی با علوم نوین و مسایل روز در باب موضوع است. با

آشنایی به منابع اسلامی و در دسترس قرار دادن آنها، فیش برداری مسأله محور از آیات و روایات و تفاسیر آغاز می گردد. استقصا تمامی گزاره های دینی مرتبط با هر یک از مسایل، در کدگذاری های مشخص زیرمجموعه همان مساله، با روش درون دینی صورت می گیرد. تحلیل فیش ها و داده ها و ارایه پاسخ به مسایل، با ابزارها و روش های مختلفی ممکن است؛ چرا که هر گستره ای از علم، روش مخصوص خود را دارد. استعمال روش های مختلف تحلیلی عقلانی، تاریخی، تفسیری، اجتهادی، میان رشته ای، تطبیقی و ...، دست آخر تعلق پژوهش را به یک گستره علمی نمایان می سازد. تحلیل عقلی-فلسفی از آیات و روایات، گستره تحقیق اسلامی را به دانش فلسفه و علوم عقلی نسبت می دهد. به عنوان مثال نظریه اسلامی رشد و استکمال اخلاقی انسان، به سبب ابتنا و استخراج از آیات و روایات، نظریه ای مستخرج از دین است و به سبب مسایل آن یعنی رشد و استکمال اخلاقی، متعلق به علوم روان شناختی و فلسفی و اخلاقی است. اما آنچه گستره اصلی این پژوهش را می نمایاند، روش این پژوهش است که به سبب روش تحلیلی عقلانی و فلسفی، به گستره علوم عقلی ارتباط دارد. یعنی نظریه اسلامی می تواند با روش های گوناگون، در گستره های گوناگون اما مبتنی بر داده های دینی و مستخرج از آنها باشد.

در پاسخ به هر مسأله به صورت مجزا، تمامی فیش ها مطالعه و تلاش در کشف ارتباط های بین آنها آغاز می شود. پاسخ هر مسأله جزئی و فرعی پژوهش را در فصلی جداگانه، با توجه به تمامی داده ها به صورت الگو و هرم ها یا برنامه جامع منسجمی ارایه می دهیم. پاسخ به مسأله اصلی پژوهش، که همان ارایه نظریه اسلامی در باب آن مسأله خاص است، نیز با نگاهی سیستمی، به صورت مجموعه ای منتظم با کشف ارتباطات بین پاسخ های مسایل فرعی است. در نظریه پردازی اسلامی، تحلیل مفهومی و بیان مقصود آیات و روایات از معانی واژگان و مؤلفه ها و به عبارت دیگر تحلیل تصور درون دینی از مؤلفه ها برای نیل به ارتباط بین مسایل و مؤلفه های فرعی ضرورت دارد، با کشف ارتباط بین مؤلفه ها و توجه ضمنی به مبانی چهارگانه تفکر دینی، ترسیم آن به صورت مجموعه منتظم و یک الگوی هماهنگ منسجم امکان پذیر می گردد و این امر همان نظریه پردازی اسلامی است تا در نهایت با ارایه چنین مجموعه منتظمی، برنامه عملیاتی و توصیه ها و تعیین تکلیف و توجه از پدیده ها و آرمان ها میسر گردد.

جدول شماره (پنج)

ردیف	گام‌ها و مراحل مختلف	روش	مثال
۱	مشخص کردن حیطه و سپس مسأله خاص	با توجه به تخصص پژوهشگر	علم اخلاق/ مسأله رشد اخلاقی/ مسأله نظریه اسلامی رشد و استکمال اخلاقی انسان
	تحلیل مسأله به مسایل جزئی تر	فنون تجزیه مسأله	(۱) تحلیل مفهومی استکمال اخلاقی؟ (۲) ابعاد استکمال انسانی و ارتباط آن‌ها (۳) آیا استکمال اخلاقی انسان، امری دارای مراتب است؟ (۴) چگونگی و کیفیت استکمال اخلاقی (۵) ویژگی‌ها، ملاک‌ها، زیر ملاک‌ها (۶) گام‌ها و مراحل رشد و استکمال اخلاقی (۶) منشأ و خاستگاه کمالات اخلاقی (۷) عوامل و عناصر تحقق خارجی استکمال اخلاقی (۷) فرآیند تحقق خارجی (۸) اصول و روش‌های پرورش کمال‌های اخلاقی
	مطالعه دیدگاه علوم جدید و مرتبط با مسأله در باب هر یک از مسایل تحقیق	کتاب خوانی	منابع علوم مختلف در باب هر یک از مسایل
	لیست کردن تمامی منابع اسلامی	آشنایی با منابع اسلامی	
۲	فیش برداری و استقصاء تمامی گزاره‌های دینی مرتبط با هر یک از مسایل	روش‌های درون دینی و نقلی	
	پسا تحلیل گزاره‌ای	استعمال روش‌های مختلف تفسیری، اجتهادی، تحلیلی، تجربی، میان-رشته‌ای، تطبیقی و	روش تحلیلی و میان رشته‌ای
	تحلیل فیش‌ها و آغاز نوشتار به ترتیب مسایل	- هر مسأله یک فصل تحقیق خواهد بود و جداگانه بررسی میشود	

	<p>- تمامی فیش ها مطالعه و مرتب می شود</p> <p>- هر مسأله خود به مسایل جزئی تر تقسیم می گردد</p> <p>- پاسخ مسایل جزئی تر از آیات و روایات ارایه می گردد</p>		
۳	توجه به پیش فرض ها و مبانی اندیشه اسلامی		توجه به مبانی هستی شناسی و انسان شناسی اسلامی
۴	تلاش در ارایه مجموعه منظم و منسجم از داده ها	تحلیل گزاره ای و سیستمی	
	رصد مفاهیم و مولفه ها و ارایه تعریف مفاهیم با توجه به خود متون	تحلیل مفهومی	رشد و استكمال چیست؟ اخلاق چیست؟ اخلاقی چیست؟
۵	بیان ارتباط مفهومی بین مفاهیم و ابعاد و انواع		ارتباط رشد و استكمال چیست؟ آیا یک مفهوم دارند؟ ابعاد رشد و استكمال انسان کدامند و چه ارتباطی بین آنها است؟ (کمال علمی شناختی/ کمال اخلاقی/ معنوی-دینی/ استكمال اجتماعی و...؟)
	بیان اوصاف خارجی و ویژگی ها و ملاک و سنجه های خارجی	فنون ارزیابی و سنجش مصداقی	ویژگی ها، ملاک ها، زیر ملاک ها و شاخصه های خارجی نیل به کمال اخلاقی چیستند؟
۶	تبیین: بیان روابط وجودی بین مولفه ها و به ویژه روابط علی		منشأ و خاستگاه کمالات اخلاقی کدامند؟ عوامل و عناصر تحقق خارجی استكمال اخلاقی در هر یک از مراتب و مراحل چیست؟
	الگوی چگونگی و کیفیت تحقق خارجی و برنامه عملیاتی		فرآیند تحقق خارجی استكمال اخلاقی چیست؟ کمال اخلاقی با چه الگویی حاصل می شود؟ برنامه عملیاتی آن چیست؟
۷	پیش بینی یا توجیه، یا تعیین تکلیف یا توصیه ی پدیدار-ها، حوادث، ارزش ها، مفاهیم و آرمان هایی از دیدگاه آیات و روایات		توصیه ها: آموزش و پرورش کمال های اخلاقی انسانی مبتنی بر چه اصولی است؟ (تنبیه، تشویق، الگو، تفاوت های فردی؟ فطرت؟) تعیین تکلیف: روش های نیل به استكمال اخلاقی چیست؟ و بهترین روش کدام است؟
۸	استفاده از ظرفیت ها، روش ها و پاسخ سایر علوم	در صورت استعمال روش	

	به آن مساله	میان رشته‌ای و یا تطبیقی
۹	آزمون تجربی و آماری تبیین، پیش‌بینی یا توجیه، یا تعیین تکلیف یا توصیه	در صورت اخذ روش‌های تجربی و آماري

۲.۴ احیای نظریه‌های بومی اندیشمندان مسلمان

برای احیای نظریه‌های بومی اندیشمندان مسلمان، مطالعه تمامی آثار ایشان، جهت استقصا تام ضروری است. اما آنچه که به نظریه‌پردازی می‌انجامد، نگاه سیستمی به آثار وی و تلاش برای ارائه مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از یافته‌ها است. برای این مهم، با مطالعه آثار مرتبط با موضوع پژوهش از آثار اندیشمندی خاص، مؤلفه‌های اصلی دیدگاه وی را بیرون می‌کشیم. به عنوان مثال، محور، مؤلفه‌ها و ارکان اصلی نظریه اخلاقی خواجه طوسی چیست؟ در پاسخ، کمال، سعادت، لذت و سلامت نفس و فضیلت را می‌یابیم. در گام بعد، هریک از مؤلفه‌ها را در فصلی جداگانه تحلیل می‌کنیم: (۱) تحلیل مفهومی (۲) بیان اوصاف و ویژگی‌های خارجی و ملاک‌ها و زیرملاک‌ها (۳) بیان اقسام و انواع و مراتب و درجات و یا ابعاد (۴) مشخص کردن روابط علی میان گزاره‌ها و مفاهیم و تبیین داده‌ها (۵) الگوی نیل به مؤلفه‌ها و برنامه عملیاتی اندیشمند در نیل به هر مؤلفه (۶) برنامه عملیاتی وی برای نیل به آن (۷) بیان پیش‌بینی یا توجیه، یا تعیین تکلیف یا توصیه‌ی پدیدارها، حوادث، ارزش‌ها، مفاهیم و آرمان‌ها از دیدگاه مولف.

نظریه اندیشمند مسلمان، زمانی قابل ارائه است که در گام بعد، ارتباط تمامی مؤلفه‌ها را جستجو کرده تا مجموعه منسجمی ارائه گردد تا ساختار کلی نظریه وی را آشکار سازیم. نظریه، زمانی نظریه خاص اندیشمند مسلمان است که نوآوری خاص وی باشد، مطالعه تطبیقی، ابزاری برای کشف نوآوری و نظریه بودن دیدگاه‌های اوست. در نهایت می‌توان با دسته‌بندی نظریه مؤلف در میان انواع طبقات نظریه علمی در آن حیطه خاص، نظریه وی را تحلیل مقایسه‌ای نمود.

ردیف	گام‌ها و مراحل مختلف	روش	مثال
۱	مشخص کردن حیطه و مسأله خاص		علم اخلاق / نظریه اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی ^{۱۵}
۲	مشخص کردن روش	میان‌رشته‌ای، تطبیقی، تاریخی، تجربی و تحلیلی و	تحلیلی / تطبیقی
	تهیه لیست کاملی از آثار و مقالات اندیشمند و توجه به ترتیب زمانی	کتابهای فهرست و دایره المعارف ها	
۳	مطالعه تمامی آثار اندیشمند به ویژه مطالعه حیطه پژوهش	کتابخانه‌ای / مطالعه و خلاصه کردن آثار	خواجه نصیرالدین طوسی / آثار اخلاقی / الهیاتی / فلسفی / کلامی
	تحلیل مسأله به مسایل جزئی تر	فنون تشخیص مساله	
۴	استقضا تمامی گزارها و آراء اندیشمند و مؤلفه‌ها در هر مسأله خاص	با توجه به عناوین مطالعه شده در لیستهای خلاصه آثار به جمع‌آوری فیش‌ها و فیش برداری مبتنی بر مسایل همت می‌گماریم	
۵	تلاش در جهت ارایه مجموعه منظم و منسجم و همخوان از داده‌ها و مؤلفه‌ها	تحلیل گزاره‌ای و سیستمی	
۶	رصد مؤلفه‌های اصلی در آثار وی	محور، مؤلفات و ارکان اصلی نظریه اخلاقی خواجه طوسی چیست؟ به عنوان مثال: کمال، سعادت، لذت و سلامت نفس و فضیلت
	بررسی هر یک از مؤلفه‌ها در فصلی جداگانه (در اینجا فقط به عنوان مثال به مثالهای یکی از مولفه‌ها یعنی سعادت پرداخته شده است، برای کمال، لذت، فضیلت و ... نیز هریک جداگانه باید چنین تحلیلی را ارایه کرد.)	۱	تعریف مفاهیم و بیان ارتباط مفهومی
		۲	بیان سنجه و ملاک‌ها و ویژگی‌های خارجی
			سعادت چیست؟ مؤلفه‌های مفهوم سعادت کدامند؟ مفاهیم لذت، کمال و خیر چه ارتباطی با مفهوم سعادت دارند؟ به عنوان مثال در باب مؤلفه سعادت: ویژگی - های سعادت چیست؟ آیا طوسی سنجه و ملاکی برای تشخیص مصداقی سعادت از غیر

آن ارائه داده است؟			
در باب سعادت: آیا کسب سعادت به رسیدن به اعتدال در قوا و رعایت وسط است (فضیلت) و یا سعادت دارای مراتب و مدارج بالائی و فراتر از رعایت وسط نیز طرح می‌گردد؟	بیان اقسام و انواع و مراتب و درجات و یا ابعاد	۳	
بیان ارتباط وجودی مولفه‌ها: عناصر و عوامل تحقق خارجی سعادت کدامند؟	مشخص کردن روابط علی میان گزاره‌ها و مفاهیم و تبیین داده‌ها	۴	
	الگوی نیل به مؤلفه‌ها و برنامه عملیاتی اندیشمند در نیل به هر مؤلفه	۵	
	بیان پیش‌بینی یا توجیه، یا تعیین تکلیف یا توصیه‌ی پدیدارها، حوادث، ارزش-ها، مفاهیم و آرمان‌هایی از دیدگاه مولف	۶	
	تحلیل سیستمی	توجه به پیش‌فرض‌ها و مبانی اندیشمند	۷
چارچوب نظری و ساختار کلی نظریه اخلاقی طوسی چیست؟ الگو و مدل طوسی و برنامه عملیاتی کلی نظریه وی؟	(بیان ارتباط تمامی مؤلفه‌ها با توجه به مبانی، و ارایه مجموعه منسجم و منسجم)	ارایه الگو، مدل و نظریه مولف	
آیا طوسی در مقام نظریه پرداز مبتکار و نوآوری داشته است یا صرفاً مقلد دیگران است؟	در صورت اخذ روش مطالعه تطبیقی	تطبیق دیدگاه اندیشمند با سایر اندیشمندان	۸
		مشخص کردن نقاط قوت و ضعف مولف در ارایه نظریه	۹
آیا خواجه طوسی فراتر از دیدگاههای اخلاقی، در آثار خویش خالق نظریه اخلاقی و یا فراتر از آن نظام اخلاقی است؟		اثبات دلالت کردن عنوان نظریه بر دیدگاه مولف در مساله خاص	۱۰

<p>آیا طوسی در اخلاق پیرو نظریه خاصی است؟ نظریه اخلاقی خواجه طوسی بر اساس طبقه-بندی‌های رایج، بر کدامین نظریات قابل تطبیق است؟</p>	<p>مطالعه تطبیقی و تاریخی</p>	<p>دسته‌بندی نظریه مؤلف در میان انواع طبقات نظریه علمی در حیطه خاص</p>	<p>۱۱</p>
--	-------------------------------	--	-----------

۵. نتیجه‌گیری

ترسیم نظریه اسلامی و فرآیند آن، در آغاز نیازمند تحلیل نظریه است. مسلماً اگر تعریف از نظریه، تعریف سانتیسمی و مبتنیافته بر پراگماتیسم رایج در فلسفه علم باشد، نظریه‌سازی اسلامی با این معنا هیچ ضرورتی ندارد. اما این رویکردی انحصارگرایانه در روش‌شناسی تحلیل نظریه محسوب می‌شود. در این جستار، تلاش شد به برخی مهمترین تعاریف نظریه از دانشمندان و گستره‌های مختلف علوم پرداخته شود و برپایه اهتمام به مولفه‌های آنها و نیز لحاظ‌های روش‌شناختی، تعریف جامعی از نظریه ارائه شود؛ تعریفی که به سایر معارف بشری و روش‌های دیگر هم تسری داده شود. در این پژوهش، آنچه بدان اهتمام شد، تحلیلی از نظریه اسلامی است. نظریه اسلامی را نظریه‌ای مستخرج از آیات و روایات دانسته‌ایم که داده‌های آن مبتنی بر دین است و خود می‌تواند به صورت‌های مختلفی باشد:

۱. نظریه‌ای که گذشته از اینکه داده‌های آن مبتنی بر آیات و روایات اسلامی است، مسائل آن و روش و علمی که به آن تعلق دارد نیز مبتنیافته بر مسائل و روش‌های درون-دینی باشد، بسان روش‌های نقلی، درون‌دینی و تفسیری. آنچه گستره نظریه اسلامی را معین می‌کند و آن را متعلق به حیطه خاصی می‌کند، روشی است که پژوهشگر در تحلیل داده‌های مستخرج استفاده می‌کند. ۲. داده‌ها مستخرج از آیات و روایات باشد، اما مسائل از علوم دیگر اخذ شده باشد و یا حتی مسائل بین‌رشته‌ای باشد؛ اما پژوهشگر در تحلیل آن داده‌ها از روش علم خود استفاده کند. به عنوان مثال اخذ روش تحلیلی-عقلانی نظریه اسلامی را نظریه فلسفی اسلامی و اخذ روش‌های آماری و آزمون تجربی داده‌های وحیانی نظریه تجربی اسلامی را می‌سازد. ۳. میان‌رشته‌ای بودن نظریه‌پردازی اسلامی است که به دلیل ظرفیت‌های پژوهش میان‌رشته‌ای و استفاده از ظرفیت‌های سایر علوم مزیت‌های بیشتری دارد. در نظریه اسلامی میان‌رشته‌ای، داده‌ها و اطلاعات مستخرج از آیات و روایات و حداکثر تفاسیر است و مسائل به چند گستره از علم تعلق دارد؛ مساله‌ای میان‌رشته‌ای که

علوم مختلف هر یک با روش خود به آن می‌پردازد. در روش میان‌رشته‌ای پژوهشگر با اتخاذ روش‌های مختلف تلاش می‌کند از طریق داده‌های آیات و روایات پاسخ مسائل خویش را مورد پژوهش قرار دهد. اگرچه در پژوهش میان‌رشته‌ای نیز بالاخره تعلق به گستره‌ای خاصی از علم نمودار است؛ زیرا روش غالب پژوهشگر نمایان‌گر گستره آن نظریه است. در این مقاله با توسعه معنای (اسلامی) به معارف و علوم اندیشمندان مسلمان، به دلیل اهمیتی که احیای نظریه‌های بومی اندیشمندان مسلمان دارد، نظریه‌ای اسلامی را در این حیطه نیز طراحی کردیم. در این جستار، از لحاظ روش‌شناسی فرایندی برای نظریه-پردازی اسلامی در دو حیطه ارائه گردید: یک) به معنای مستخرج از آیات و روایات؛ دو) به معنای احیای نظریه‌های اندیشمندان مسلمان. به دلیل تعلق مولفان این پژوهش به گستره تحلیل‌های عقلی-فلسفی و روش تحلیلی، این فرآیند بیشتر مناسب با نظریه‌های تحلیلی-فلسفی اسلامی است. فرآیند روش‌شناسی که در این مقاله ارائه شد، مبتنی است بر تعریفی از نظریه که در این مقاله با توسعه تعاریف اندیشمندان سایر علوم اخذ شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مقاله درآمدی بر متدولوژی نظریه اسلامی در روابط بین‌الملل با تأکید بر دیدگاه لاکاتوشی، به برخی از تلاش‌های دانشمندان کشورهای مختلف برای بومی‌سازی نظریه‌های روابط بین‌الملل و امور سیاسی اشاره کرده است. صص ۱۲۵-۱۲۷.
۲. به نقل از مقاله درآمدی بر متدولوژی نظریه اسلامی در روابط بین‌الملل با تأکید بر دیدگاه لاکاتوشی، ص ۱۳۵.
۳. به عنوان مثال آثار زیر: نظریه اخلاقی محمدبن زکریای رازی، نظریه اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی، درآمدی بر متدولوژی نظریه اسلامی در روابط بین‌الملل با تأکید بر دیدگاه لاکاتوشی، آجیلی، هادی و علی اسماعیلی اردکانی، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره هشتم، ۱۳۹۴.
۴. لیزا لندل فیزیک‌دان دانشگاه هاروارد نظریه را چنین تعریف می‌کند:
نظریه یک چارچوب فیزیکی تجسم‌یافته در مجموعه‌ای از مفروضات بنیادین درباره عالم و یک چارچوب مقتصدانه دربرگیرنده شمار بسیاری از پدیده‌هاست. نظریه مجموعه مشخصی از معادلات و پیش‌بینی‌ها را ارائه می‌دهد، آن‌هایی که به واسطه توافق موفقیت‌آمیز با نتایج تجربی احراز شده‌اند (برگرفته از هادی صمدی، ساختار نظریه‌های علمی در علوم طبیعی و علوم اجتماعی، ۱۳۸۹):

نظریه اسلامی؛ از چیستی تا چگونگی ... (فرشته ابوالحسنی نیارکی) ۲۷

Lisa Randall, 'Designing words', in *Intelligent Thought: Science Versus the Inthelligent Design Movement*, ed. John Brockman, Vintage, 2006.

۵. رک: تعریف باقر ساروخانی در جدول شماره (چهار).
۶. رک: تعریف کرلینجر در مبانی پژوهش در علوم رفتاری. (کرلینجر، فرد. ان، ۱۳۷۴، ص ۲۹) و جدول شماره (چهار).
۷. رک: تعریف دیوید مارش و جری استوکر، (روش و نظریه در علوم سیاسی، ۱۳۷۸، ص ۱۴) در جدول شماره (چهار).
۸. رک: تعریف موتی بن آری، در «نظریه علمی چیست؟ کاوشی در ذات علم»، (۱۳۸۷، ۴۷) و تعریف محمدحسین جمشیدی (۱۳۸۷، ۱۹) در جدول شماره (چهار).
۹. برخی اندیشمندان نیز جداولی نظیر جدول این جستار ارائه کرده اند: دکتر اعرابی در مجموعه مقالات مدیریت: مبانی روش‌شناسی و تئوری‌های مدیریت، در باب منابع، ابزارها، کاربردها و دست‌آوردهای ادراکات (۱۳۸۷، ۱۷) و همچنین در مقاله دکتر خسروپناه و عبدالله بانسی (تأملی بر مبانی نظریه‌پردازی غرب و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ضرورت آن در حوزه رهبری سازمانی، ۱۳۹۲).
۱۰. علوم انسانی با رهیافت‌های دیگر درون‌دینی، عقلی-فلسفی و یا به تعبیر کارل پوپر علوم مرتبط با منطقه سوم معرفت نیز قابل بررسی است.
۱۱. رک: فرامرز قراملکی، *نظریه اخلاقی محمدبن زکریاری رازی*، بخش دوم، ویژگی‌های نظریه اخلاقی رازی.
12. 'Evaluating Theory in Political Science', Department of Political Science, The Florida State University, August 9, 2001: "The term 'theory' should be reserved for collections of statements that propose causal explanations of phenomena"
۱۳. یعنی فرضیه‌هایی که از نظریه استنتاج می‌شوند، باید منطقا از دل پیشفرض‌های نظریه استخراج شوند.
14. John G. Wacker, A definition of theory: research guidelines for different theory building research methods in operations management, Department of Management, Iowa State University, Ames, IA 50011-2065, USA, *Journal of Operations Management* 16, 1998. 361-385
۱۵. مساله حاضر، حاصل پژوهش مؤلف اول در رساله دکتری دانشگاه تهران (۱۳۹۳) است.

کتاب‌نامه

- آجیلی، هادی و علی اسماعیلی اردکانی (۱۳۹۴)، «درآمدی بر متدولوژی نظریه اسلامی در روابط بین-الملل با تأکید بر دیدگاه لاکاتوشی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره هشتم.
- اعرابی، سید محمد (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات مدیریت: مبانی روش‌شناسی و تئوری‌های مدیریت، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
- بن‌آری، موتی (۱۳۸۷)، نظریه علمی چیست؟ کاوشی در ذات علم، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: مازیار، چاپ اول.
- بهراری‌فر، علی و حسن دانائی‌فرد (۱۳۸۵)، مقاله «توسعه تئوری‌ها در علم‌الاجتماع: ضرورت تدوین معیارهای ارزیابی تولید علم تئوری‌پردازی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره بهار.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷)، «پسامدرنیسم و روش»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۵۵، سال چهاردهم، ص ۱۱۳-۱۶۸.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۷)، مبانی روش‌شناسی تبیین با تأکید بر اندیشه سیاسی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- خسروپناه، عبدالحسین و عباداله بانسی (۱۳۹۲)، «تأملی بر مبانی نظریه‌پردازی غرب و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ضرورت آن در حوزه رهبری سازمانی»، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت، اردیبهشت.
- چرنوف، فرد (۱۳۸۸)، نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.
- دانائی‌فرد، حسن (۱۳۸۳)، مقاله «الزامات عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات: تئوری‌پردازی در مدیریت دولتی»، فصلنامه دانش مدیریت، دوره ۱۷، شماره ۱، بهار.
- دانائی‌فرد، حسن، (۱۳۸۸)، مقاله «روش‌شناسی نظریه‌پردازی در مطالعات سازمان و مدیریت: پژوهشی تطبیقی»، مدرس علوم انسانی-پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان.
- دانائی‌فرد، حسن (۱۳۸۷)، نظریه‌پردازی: استراتژی‌ها و تئوری عمومی تئوری‌پردازی، تهران: سمت.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۲)، جهانی شدن؛ تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، کمال پولادی، تهران: ثالث.
- روزنبرگ، الکس (۱۳۸۴)، فلسفه علم، ترجمه مهدی دشت بزرگی و فاضل اسدی امجد، قم: طه، چاپ اول.
- زیباکلام، سعید (۱۳۹۵)، نظریه‌سازی و معضلات و اهداف بومی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، س ۲۲، ش ۸۸، صص ۱۷۹-۲۰۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم.

نظریه اسلامی؛ از چیستی تا چگونگی ... (فرشته ابوالحسنی نیارکی) ۲۹

صمدی، هادی (۱۳۸۹)، ساختار نظریه‌های علمی در علوم طبیعی و علوم اجتماعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره، چاپ اول.

فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۹۱)، نظریه اخلاقی محمدبن زکریاری رازی، تهران: موسسه حکمت و فلسفه و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کرلینجر، فردان (۱۳۷۴)، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه حسن پاشاشریفی و جعفر نجفی‌زند، تهران: انتشارات آوای نور.

مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۷۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.

مک‌دونالد، دیوید و اسکات اشنبرگر (۱۳۸۷)، مبانی تحقیق علمی و نظریه‌سازی، نظریه‌پردازی، مفاهیم و استدلالات، ترجمه سیدرضا حسینی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

هچ، ماری‌جو (۱۳۸۶)، نظریه سازمان: مدرن، نمادین-تفسیری و پست مدرن، ترجمه حسن دانائی‌فرد، تهران، نشر افکار.

هومن، حیدرعلی (۱۳۷۴)، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، تهران: نشر پارسا.

Carlile P. R., Christensen, Clayton M. (2002), *'The process of theory building'*; Harvard Business School.

John G. Wacker, A definition of theory: research guidelines for different theory building research methods in operations management, Department of Management, Iowa State University, Ames, IA 50011-2065, USA, *Journal of Operations Management* 16, 1998. 361-385.

Moor . Will H. *'Evaluating Theory in Political Science'*, Department of Political Science, The Florida State University, August 9, 2001.